

سرود مادری از مادران داغدارتابستان ۶۷

در هر جمع و نشست و یادواره ای،

انسانی،

باصدای پرطنین،

اوج فریاددادخواهی می شد:

«جگرگوشه های مرا

ک

ش

ت

ن

د

درتابستان ۶۷

همه آن عزیزان،

دختران من،

پسران من،

خواهران من،

برادران من،

عزیزان گران سنگ من بوده اند.»

او،

یک زن بود.

داغداری از انبوه داغدارشدگان.

دریایی طوفانی.

بااندوهی فراموش نشدنی.

درصدایش گویی رعدپنهان بود.

اعتراضی کوبنده.

علیه قاتلان وجنایتکاران.

او،

یک مادر بود.

او، ایران بود.

صدای رسای ایران بود.

او،

مادر همه ما بود.

سروبلندقامت ایستاده در طوفان ها.

عصاره رنج های ایرانیان.

او،

صدای رسای زنان آزاده ایران بود.

در هر جمع و نشست و یادواره ای.